



عرفان نیاز فطری انسان به معرفت حبی خداوند است

عرفان در همه ادیان وجود دارد و این نشان‌دهنده نیاز فطری انسان به معرفت حبی خداوند است.

در دومین نشست از سلسله نشست‌های «نیاز انسان به عرفان و بررسی عرفان‌ها» که عصر امروز، سه‌شنبه 12 آذرماه، برگزار شد، محمد فنایی اشکوری گفت: عرفان در همه ادیان وجود دارد و این نشان‌دهنده نیاز فطری انسان به معرفت حبی خداوند است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، دومین نشست از سلسله نشست‌های «نیاز انسان به عرفان و بررسی عرفان‌ها» با عنوان «بررسی مدعیان عرفان» با حضور محمد اسدی گرمارودی، مدیرگروه معارف دانشگاه صنعتی شریف و محمد فنایی اشکوری، استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی امام خمینی(ره)، بعد از ظهر امروز، سه‌شنبه 12 آذرماه، در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

در این نشست اسدی گرمارودی نیاز انسان به عرفان را معادل نیاز انسان به دین دانست و در این باره اطاعت را شرط محوری دانست. او با اشاره به حدیثی از امام علی(ع) گفت: برخی عبادت را برای طمع در بهشت به جا می‌آورند که عبادت تاجران است و برخی از ترس جهنم عبادت می‌کنند که عبادت بردگان است و برخی برای خود خداوند عبادت می‌کنند که این عبادت عارفان است.

تقسیم‌بندی انسان‌ها

وی افزود: ما دو دسته انسان داریم، گروهی دیندارند و گروهی بی‌دین. دینداران در عبادت خدا دو دسته‌اند، گروهی عارفانه عبادت می‌کنند که این عبادت احرار و آزادگان است و گروهی هم غیر عارفانه عبادت می‌کنند که این عبادت بردگان و تاجران است. همان‌طور که امام علی(ع) می‌فرمایند «خداوند! من تو را نه به جهت ترس از دوزخ و نه به طمع بهشت برین که من تو را سزاوار عبادت دیده و به پرستش تو می‌پردازم».

وی در خاتمه گفت: مقصد انسان بستگی به معرفت دینی او دارد و یعنی اگر بهشت را بخواهد و به آن دست پیدا کند یعنی معرفت دینی او به همین اندازه بوده و اگر وصال حق را بخواهد و به آن دست پیدا کند این نیز نشان‌گر نهایت معرفت و شناخت اوست.

نیاز به عرفان برخاسته از فطرت است

در ادامه محمد فنایی اشکوری، درباره نیاز انسان به عرفان گفت: عرفان در همه ادیان و فرهنگ‌ها وجود دارد و این نشان‌دهنده نیاز فطری انسان به معرفت حبی خداوند است.

وی ادامه داد همان‌طور که والتر ترنس استیس بیان می‌کند ابرمرد یا سوپرمن آینده یا عارف خواهد بود یا اساساً ابرمردی در جهان نخواهد آمد. درواقع عرفان و نیاز انسان به عرفان یک مسئله فطری است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

تفاوت حقیقت عرفان با علم عرفان

فنایی با بیان این‌که عرفان حقیقی را باید از علم عرفان جدا دانست، گفت: علم عرفان را با مطالعه کتب عرفانی می‌توان به دست آورد ولی نمی‌توان با مطالعه و علوم کسبی به عرفان حقیقی رسید یعنی این‌گونه نیست که با داشتن بهره هوشی بالا همان‌طور که ریاضیات، تاریخ، فلسفه و علوم تجربی دانسته می‌شود بتوان به حقیقت عرفان دست پیدا کرد.

مدل‌های عرفانی

وی خاطرنشان کرد: مدل‌های مختلفی برای عرفان مطرح شده‌است که اکثر آن‌ها سه وجهی هستند. به عنوان مثال در تعریف عرفان به اسلام، ایمان و احسان اشاره شده‌است که این ناظر به روایت و حدیثی است که جبرئیل گفته‌است. در این باره اسلام به مسلم گفته می‌شود، یعنی به کسی که شهادتین را بر زبان آورده و داخل در جمعیت مسلمین است و مومن و با ایمان به

کسی گفته می‌شود که حقیقت اسلام را در قلب خود درک کرده باشد. احسان به آن گفته می‌شود که خدا را همیشه ناظر بر خود و همراه با خود ببیند و اگر خدا را ندید، بداند که خداوند ناظر بر اوست.

اشکوری تصریح کرد: در تقسیم بندی دیگر از شریعت، طریقت و حقیقت یاد می‌شود. شریعت یعنی ظاهر احکام و قوانین شرعی رعایت شود و طریقت ناظر بر معرفت حاصل از عبودیت است و حقیقت اشاره به رسیدن به معرفت و نتایج معرفت دارد.

وی در آخر در رابطه با تعریف خود از عرفان اظهار کرد: من قائل به تعریف عرفان مبتنی بر معرفت، محبت، اطاعت هستم. معرفت همان‌طور که مبرز است، اساس عرفان است. کسی که به خداوند معرفت پیدا کرد محبت به حق می‌یابد و کسی که محبت حق در دلش راه یافت به گناه نمی‌افتد و یک‌سره اطاعت خالق می‌کند.